

دکتر سهیلا ترابی فارسانی

استادیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

tfarsani@yahoo.com

نخستین تکاپوهای تجار سرمایه‌دار در عصر مشروطه

در استقرار قانون

چکیده:

ناامنی‌های اجتماعی و اقتصادی، بی‌ثباتی و متزلزل بودن شرایط حقوقی، وجود احکام ناسخ و منسوخ، بی‌قانونی، امکان مصادره اموال، وجود روابط خویشاوندی و هجوم سرمایه‌های بیگانه، زمینه‌های نارضایتی تجار را در عصر قاجار فراهم کرد. لزوم ایجاد این تغییرات سیاسی جهت آشنایی تجار با غرب و ارائه مبانی نظری آن توسط روشنفکران و از طریق روزنامه‌ها ارائه شد. استقرار دولت مدرن که در آن محور اصلی قانون و ضابطه‌مندی است، سلطه قانون و تشکیل نهادها و سازمان‌هایی که خدمات معینی ارائه دهد، حق شهروندی و مداخله در امور سیاسی و نظارت بر کارهای دولت همه از مواردی بود که تجار با مشارکت در جنبش مشروطیت و حضور در مجلس اول و وضع مصوبه‌های آن در برپایی آن تلاش کردند.

کلیدواژه:

مشروطیت، دولت مدرن، قانون خواهی، تجار، سرمایه‌داری عصر قاجار.

مقدمه:

آشفستگی، ناامنی اجتماعی و عدم قانون مشخص و فراگیر موجب تهاجم به اموال و سرمایه‌های تجار می‌شد. زیرا از طریق حکام به صورت مصادره و ضبط اموال و چپه از طریق راهزنان که اموال آنان را به غارت می‌بردند. منافع تجار ایجاب می‌کرد دولت مرکزی قدرتمندی روی کار آید تا بتواند از آنان در مقابل نیروهای مهاجم حمایت کند و قوانینی حمایتی مستقر گردد تا از ضبط اموال و املاک آنان جلوگیری کند. نمونه‌های فراوانی از شکایات مردم به حکومت مرکزی وجود داشت. شکایت مردم نهاوند و بروجرد به دولت مرکزی از تعدی عشایر دلفان به قافله‌های بازرگانان از این نمونه بود.^۱ حمله ایل‌ها به کاروان‌های تجاری، ناامنی راه‌ها، شورش‌های مداوم خوانین و حکام محلی، سلطه کامل قدرت مرکزی بر جوامع شهری و روستایی را که از عوامل عمده رشد سرمایه و تجارت محسوب می‌شود، مانع می‌شد.^۲

طمع حکام و شاهزادگان بر اموال تجار، مصادره املاک و دارایی آن‌ها^۳، قروضی که بازپس داده نمی‌شد، همه باعث دلسردی و عدم اعتماد تجار می‌شد، به طوری که مجدالملک وجود این ظلم‌ها را باعث آن می‌داند که:

«تجار و اهل حرف و صنعت آن از خیال کسب افتاده و هم آن‌ها

واحد شده جز تحصیل قوت یومیه به هیچ کار نمی‌توانند پرداخت.»^۴

حاج سیاح هم به خطری که از جانب دولتیان، اموال و املاک افراد را تهدید می‌کند، اشاره دارد.^۵ نه تنها این تهاجم‌ها به اموال و سرمایه‌ها وجود داشت بلکه هیچ عناصر بازدارنده و مانعی نیز مقابل این تعدی‌ها وجود نداشت. عدم وجود قانون و محاکمی که حافظ امنیت مالی و جانی افراد باشد، از عوامل دیگر آشفستگی اجتماعی بود.

«اطمینان عامه به امنیت و امنیت به قانون حاصل می‌شود ... حالیه

کسی داخل کاری نمی‌شود و خرجی که نفع عامه در آن باشد، نمی‌کند.»^۶

در گزارشی از جلسه‌های انجمن مخفی پیش از اعلان مشروطیت به عدم قانون

اشاره می‌شود که باعث ناکامی شرکت‌هایی شد که برای رواج امتعه ایران تلاش می‌کردند.

«حالا اگر قانون بود و مجازات و مکافات می‌دادند و نمی‌گذارند پول مردم تفریط شود چه قدر شرکت‌ها و انجمن‌های تجارتهی تشکیل می‌یافت.»^۷ و در جایی دیگر عنوان می‌شود: «باری چون قانون جاری نیست اگر امروز مردم به کاری اقدام کنند فردا کسی دیگر آن کار را خراب خواهد کرد. به این جهت مردم امنیت و اطمینان ندارند.»^۸

عدم هماهنگی احکام شرع و عرف، آشفتگی وضع قضایی^۹ و عدم وجود قانونی ثابت و مشخص در دعاوی مالی از عوامل دیگر درون جامعه‌ای دوران قاجار محسوب می‌شود که با اساس اقتصاد بازرگانی و امنیت سرمایه مغایرت داشت.

علاوه بر این، گسترش روابط تجاری و نفوذ سرمایه‌های بیگانه که منجر به در دست گرفتن بازارهای ایران توسط بیگانگان می‌شد، موجب نارضایتی تجار گردید و واکنش‌هایی را در آنان برانگیخت از جمله تحریم چای روسیه^{۱۰} و شکایت از ورود بی‌رویه پارچه‌های انگلیسی^{۱۱} از این نمونه بود. تجار به عملکرد و نقش دولت اعتراض داشتند. سیاست دولت به جز در دوران محدود امیرکبیر، سیاست حمایت از اجناس داخلی نبود. دولت نه تنها در امور تجارتهی، مالی و گمرکی نقش فعال، مثبت و به سود سرمایه‌های ملی ایفا نمی‌کرد بلکه خود مانعی در جهت رشد سرمایه‌های داخلی محسوب می‌شد. تجار در نامه‌ای می‌نویسند:

«دولت‌یان هر گونه تعدی که خواستند کردند، مواخذه نشدند و هر که

می‌گوید، مردم را می‌چاپم، انتهای مراتب مرا معزول می‌فرمایند ... چرا مال مردم را می‌گیرند؟»^{۱۲}

دولت نه تنها قادر به برقراری نظم و استقرار قانون نبود که درک درستی از منافع

ملی و حمایت از سرمایه‌های داخلی نیز نداشت.

ورود تجار به حیطه‌های جدید تجارتهی از جمله تأسیس شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری

در بخش صنایع نیز با موانعی روبرو بود. صنایع کارگاهی کوچک داخلی قادر به رقابت با

کالاهای خارجی نبود و به تدریج از تعداد آن‌ها کاسته شد.^{۱۳} افول و نقصان صنایع بومی و

عدم موفقیت سرمایه‌گذاری صنعتی جدید دلایل متعدد داشت. مهم‌ترین مسأله ورود کالاهای غربی بود که از مرغوبیت بهتر و قیمت ارزان‌تر برخوردار بود. سرمایه‌دار ایرانی نیز برای مقابله با سرمایه‌های خارجی کوشید به تأسیس کارخانه مبادرت کند. اما غافل از این که حرکت به سوی سرمایه‌داری صنعتی نیز نیاز به امکانات و تسهیلات اولیه داشت از جمله دولت متمرکز قوی که موجب امنیت اجتماعی و مالی گردد؛ قوانین معین و مناسب جهت حمایت از سرمایه‌های داخلی؛ حمایت دولت به منظور افزایش سرمایه و گسترش حیطه‌های جدید سرمایه‌گذاری و حمایت از تولیدات داخلی؛ بهبود و توسعه شبکه راه‌ها و ایجاد راه‌آهن برای تسهیل در حمل و نقل؛ ایجاد موسسه‌های مالی و اعتباری و لزوم تأسیس بانک ملی؛ بهره‌گیری از دانش، کارشناسی و مدیریت جدید. اما دولت قاجار به جز در دوره‌های کوتاه صدراعظم‌های اصلاح‌گرا به ضرورت حمایت دولت از سرمایه‌های داخلی توجهی نداشت از این رو تجار به دنبال تغییر شرایطی متناسب با خواست‌های خود برآمدند.

تجار در سال‌های پیش از مشروطیت خواست‌ها و پیشنهادهای خود را در کتابچه یا اساسنامه‌ای بدین شرح مطرح ساختند:

- ۱- احترام به مالکیت فردی و تأمین حقوق مالی افراد
- ۲- حفظ املاک و مستغلات
- ۳- به منظور جلوگیری از سوء استفاده عمال دیوانی و پرداخت دیون تجار، این قروض به تدریج از مواجب آنها کاسته شود.
- ۴- در اختیار گرفتن بازار پولی کشور
- ۵- حفظ و حمایت دولت از منافع تجار داخلی
- ۶- رواج امتعه ایرانی و ممانعت از ورود کالاهای خارجی
- ۷- سپردن امور تجار و حل و فصل دعاوی آنها توسط خودشان^{۱۴}

موارد مذکور به روشنی خواست‌ها و مشکلات آنها را روشن می‌سازد. آنها در کاهش سوء استفاده دیوانیان، احترام به مالکیت، برقراری نظم و قانون برای ایجاد امنیت

سرمایه و از سوی دیگر حمایت دولت از آنها در مقابل هجوم سرمایه‌های بیگانه می‌کوشیدند.

روشنفکران نیز که با حساسیت‌های دیگر به چنین مشکلاتی پی برده بودند دست به فعالیت زدند. آنها با مقایسه ساختارهای جامعه ایران و اروپا و علل واماندگی جامعه خود به تجزیه و تحلیل این موارد پرداختند.

این روشنگری‌ها در بُعد ضرورت تحولات اقتصادی و پیوند آن با مسایل اجتماعی و سیاسی از طریق روزنامه‌ها به تجار بزرگ منتقل می‌شد. آنان بر این باور بودند که با سمت و سو دادن به سرمایه‌گذاری‌ها می‌توان موجب توسعه کشور و «تأسیس مدنیت و صنعت و علم و حکمت» شد.^{۱۵}

تجار و روشنفکران به دلیل ضرورت اصلاحات و درک رابطه تنگاتنگ توسعه اقتصادی و سیاسی به یکدیگر نزدیک شدند. تجار نه تنها از طریق مشاهده و سفرهای تجاری به خارج از کشور که نوعی مقایسه در ذهن آنان ایجاد می‌کرد، که از طریق رابطه و آگاهی‌هایی که روشنفکران در حوزه نظری ارائه می‌دادند با این گونه مسایل آشنا می‌شدند.

تقاضا برای ایجاد دولت مدرن که در آن محور اصلی قانون و ضابطه‌مندی آن است نه رابطه و امتیازهای خانوادگی، در چنین دولتی قوانینی کلی و عمومی وجود دارد، امنیت ثروت و مالکیت و مشاغل نه بر اساس فروش آنها به افراد که بر اساس ضوابط معینی واگذار می‌گردد. دولت، نهادها و سازمان‌هایی را ایجاد می‌کند که خدمات معینی ارائه دهد. اعمال کنندگان قدرت زیر نظر قانون عمل می‌کنند و قدرت زیر سلطه قانون قرار دارد. کسی از شمول قانون خارج نمی‌شود حتی موارد استثنا از قانون را نیز قانون تعیین می‌کند. دولت به قوانین خود متعهد و ملزم به رعایت آن است. افرادی که دارای حق شهروندی هستند، در امور سیاسی مداخله کرده و بر کارهای دولت نظارت دارند. مطرح شدن حق مردم در حیطه‌های فردی، سیاسی و حقوقی از جمله آزادیهای فردی، مشارکت در امور سیاسی، تساوی در برابر قانون، حفظ مالکیت و دارایی‌ها، حق معامله در عرصه مالکیت خصوصی و مواردی از این گونه از مشخصه‌های دولت مدرن است.^{۱۶}

الف) تلاش در استقرار مشروطیت:

در سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ ترتیب استخدام سه نفر بلژیکی به ریاست نوز برای سامان دادن به وضع گمرک ایران داده شد.^{۱۷} در سال ۱۸۹۹/۱۳۱۷ تقاضای وام ایران از روسیه به شرط تغییر تعرفه گمرکی پذیرفته شد. عوارض گمرک جدید^{۱۸} در سال ۱۹۰۳/۱۳۲۱ به اجرا گذارده شد که با اعتراض و شکایت‌های فراوان تجار سراسر کشور مواجه گشت.^{۱۹} تجار برای برخورد مسالمت‌آمیز با مسالمة گمرک نامه‌های زیادی از طریق سعدالدوله وزیر تجارت به صدراعظم نوشته و ناراضیاتی خود را ابراز کردند.

آنان در نشست‌هایی با حضور صدراعظم و برخی افراد بلژیکی گمرک ثابت کردند که بیش از آنچه در کتابچه گمرکی تعیین گردیده از آن‌ها عوارض گرفته می‌شود^{۲۰} ولی دولت با بی‌توجهی از آن گذشت و موجب واکنش‌های شدیدتر تجار شد.

تعدادی از تجار در ۱۹ صفر ۱۳۲۳ در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.^{۲۱} بازارها بسته شد و طی تلگرافی به شاه ابراز شد که آنان از؛

«حمل امتعه خارجی به داخل کشور صرفنظر خواهند کرد، مگر این

که مقررات جدید فسخ گردد.»^{۲۲}

این تحصن در پی مخالفت با تعرفه گمرکی جدید و برشمردن زیان آن برای بازرگانی کشور بود. برکناری نوز و شکایت از ستمگری کارکنان گمرک بخاطر گرفتن پول زیاد از تجار ایرانی محور خواست‌های این تحصن صنفی بود. در واقع این تحصن بود برای ابراز اعتراض به سیاست‌های حکومت که با عدم حمایت از سرمایه‌های داخلی، دست بیگانگان را در امور اقتصادی کشور باز می‌گذاشت و از سرمایه‌های ملی حمایت نمی‌کرد. این ماجرا آغازگر حرکت‌های بعدی تجار در جنبش مشروطه خواهی شد.

فلک کردن تجار قند توسط علاءالدوله حاکم تهران،^{۲۳} بسته شدن بازارها، عدم همکاری دولت با تجار و بی‌تفاوتی نسبت به خواست‌های آن‌ها و ناتوانی سعدالدوله^{۲۴} وزیر تجارت در حفظ منافع تجار موجب شد ماهیت تقاضاها به تدریج تغییر یابد و از صورت یک جریان اعتراضی صنفی به یک جنبش گسترده سیاسی-اجتماعی بدل شود.

فشارهای دولت و بی‌توجهی آن به اموری که بارها مورد اعتراض تجار قرار گرفت انگیزه مقاومت و اعتراض را در تجار افزایش داد و آنان را از حوزه منافع طبقاتی خود فراتر برد، اقبال دیگری با آنان همراه شدند و توانستند بر موج یک جریان عمومی و توده‌ای سوار گردند. پیدایش تجار سیاسی حاصل چنین شرایطی است و به این ترتیب تجار تدارکات پشت صحنه تحصن حضرت عبدالعظیم را به عهده گرفتند تا کاری را که به تنهایی نتوانستند انجام دهند در جنبشی عام‌تر و گسترده‌تر تجربه کنند.

تجار در حوادثی که به برقراری مشروطیت منجر شد فعالانه حضور داشتند. آنان بار مالی کلیه اعتراض‌ها و تحصن‌ها را به دوش داشتند. منابع در حوادث این دوران بیشتر از گروه‌های تجار، اصناف و طلاب در کنار یکدیگر نام می‌برد و بالاخره این که تقاضای نهایی، ایجاد مجلس یا دارالشورا از تحصن سفارتخانه که اجتماع تجار، اصناف و طلاب بود، صادر شد. تجار در کلیه مذاکرات با سفارت خانه و سران حکومت نقش عمده و اساسی داشتند. افرادی چون حاج امین‌الضرب، حاج معین‌التجار بوشهری، حاج محمد اسماعیل آقا مغازه، آقا میرزا محمود اصفهانی، ارباب جمشید از زمره کسانی بودند که نامشان در تدارک مالی تحصن در سفارتخانه برده شده است.^{۲۵}

پذیرش صرف چنین هزینه‌های گزافی از سوی تجار نمی‌توانست انگیزه‌ای در حد ایجاد عدالتخانه داشته باشد. سرمایه‌داران مالی همچون امین‌الضرب به طور قطع آگاهانه در این مسیر قدم می‌گذارند. امین‌الضرب مسافرت‌های زیادی به اروپا، عثمانی، مسکو، قفقاز و مراکز و محافل روشنفکری داشت و با سرمایه‌گذاری در شکل جدید آن و نقش دولت‌ها و تأثیر نظام‌های سیاسی در فعالیت‌های تجاری به خوبی آشنا بود. از این رو، او نیز مانند روشنفکران به ضرورت اصلاحات در نظام سیاسی کشور معتقد بود، اما همواره جانب احتیاط را حفظ می‌کرد.

بست نشینان سفارت در اولین خواست‌های خود، علاوه بر تقاضای بازگشت علما و عزل عین‌الدوله، مسأله ایجاد امنیت و قانون^{۲۶} را مطرح ساختند، و با بیان این نکته که «امروز کسی دارای مال و جان خود نیست»^{۲۷} تقاضای افتتاح عدالتخانه‌ای را کردند؛

«که از طبقه علما و تجار و سایر اصناف برای رسیدگی در مراعات

شرکت در او داشته باشند».^{۲۸}

در این مرحله با وجود آن که اکثر افراد متحصن را تجار و کسبه تشکیل می‌دادند تقاضاهای صنفی گذشته، به مفاهیمی عام‌تر و کلی‌تر تغییر یافت. هر چند لفظ مجلس و مشروطیت هنوز مطرح نشده بود ولی در زمره تقاضاها از افتتاح دارالشوری نام برده می‌شد.^{۲۹} مذاکراتی بین سران تجار، حاج حسین آقا امین الضرب، محمد اسماعیل آقا تبریزی، محمد علی شالچی، عبدالرزاق اسکویی، محمد تقی شاهرودی، سید محمد صراف آقا، محمد معین التجار بوشهری و سید محمد باقر کاشانی با شاه و صدر اعظم انجام گرفت و حکومت آنان را واسطه مذاکره با بست نشینان کرد. ولی آنان در ملاقات با عین‌الدوله آشکارا عنوان کردند که متخصین «مجلس مبعوثان ملی» می‌خواهند و این که آنان نیز روحاً با مقاصد آنان موافقند ولی از روی مصلحت داخل آن نشده‌اند.^{۳۰} در هر حال صدر اعظم پذیرفت که همه مقاصد «آقایان و تجار و کسبه» را برآورده نماید.^{۳۱} سرانجام دست خط شاه مبنی بر اجازه تشکیل مجلس شورای ملی از متخبین گروه‌های مختلف اجتماعی صادر گردید. همکاری و پایداری تجار، اصناف و طلاب از یک سو و مهاجرت علما از سوی دیگر منجر به صدور فرمان مشروطیت شد. در هر حال آگاهی و آشنایی تجار و اهمیت استقرار نظام قانونمند و لزوم مشارکت سیاسی آنها، برقراری دولت مدرن را نوید می‌داد.

ب) نکاپو در برقراری ساختارهای دولت مدرن:

پس از صدور فرمان مشروطیت، نظامنامه انتخابات نوشته شد و در آغاز تجار با آن مخالفت کردند، از این رو مجدداً تغییراتی در آن داده شد. تجار در این زمینه نیز فعالانه و با هوشیاری مداخله کردند، هر چند موارد اعتراض و علت آن به دلیل در دست نبودن مدارک و اسناد مشخص، روشن نیست.^{۳۲} به دلیل تأخیر در امضای نظامنامه هیاهو به راه افتاد و قرار شد دکان‌ها را باز نکنند، سید محمد طباطبایی مهلت خواست ولی «طلاب به

این حرف‌ها و مواعید متقاعد نشدند.^{۳۳} در همان شب تجار دوباره در سفارت خانه انگلیس متحصن شدند وعده زیادی از طلاب به آنها پیوستند.

«تجار و روسای اصناف و صراف‌ها در سفارتخانه می‌باشند

می‌گویند تا مجلس صحیحی تشکیل نیابد و مطمئن نشویم خارج نخواهیم

شد.»^{۳۴}

در حوادث منجر به مشروطیت، هر چند جناح‌های ائتلافی تجار، علما و روشنفکران در کنار یکدیگر قرار داشتند، اما به تدریج اختلاف نظرها که حاکی از تمایز دیدگاه‌ها، انگیزه‌ها، منافع و تفاوت‌های شخصیتی افراد بود، آشکار گردید. اعتراض‌هایی از جانب تجار به برخی از سران روحانی نهضت وارد شد و طلاب نیز در کنار تجار قرار گرفتند. این اختلاف‌ها به دلیل ظنی بود که به همکاری احتمالی سید عبدالله بهبهانی با دربار می‌رفت و امکان نوعی سازش و محافظه‌کاری از جانب وی را مطرح می‌کرد. طلاب که دارای افکاری تندتر و آرمان‌گرایانه بودند با هر نوع سازش و محافظه‌کاری که امکان دستیابی به اهداف مورد نظر را ناممکن می‌ساخت، مخالفت کردند.

نظامنامه انتخابات مجلس اول به صورت طبقاتی بود. در این نظامنامه تجار باید حجره و تجارت معین داشته و اصناف نیز باید دکانی داشته باشند که کرایه آن مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.^{۳۵} تجار حق مداخله در امور سیاسی را به دست آوردند و در این امر فعالانه شرکت کردند. چهل و یک درصد نمایندگان مجلس اول را تجار و اصناف تشکیل می‌دادند.^{۳۶} تجار در انجمن‌های نظارت بر انتخابات نیز فعالانه شرکت کردند. انتخاب رئیس‌التجار به سمت منشی‌گری انجمن ترشیز و توابع،^{۳۷} توصیه عمده التجار حاجی سید محمدرضا و حاجی باقر به اهالی بوشهر در انجام انتخابات مطابق نظام‌نامه^{۳۸} و تشکیل انجمن نظار بوشهر در خانه ملک‌التجار، از نشانه‌های حضور مثبت تجار در انتخابات بود.^{۳۹}

بحران مالی کشور و کمبود نقدینگی موجب پیشنهاد استقراض خارجی شد. با این

پیشنهاد بود که بحث‌های مفصلی مبنی بر زیان وام‌گیری آغاز شد و معین‌التجار نماینده

تجار در مجلس به تجزیه و تحلیل و مخالفت با این موضوع پرداخت. وی طی نطقی مواد و شرایط وام را به تفصیل بررسی و زیان‌های آن را بر شمرد. سخنان وی منجر به مخالفت مجلس با گرفتن وام خارجی شد.^{۴۰}

بحث‌های مخالف و موافق با وام خارجی، اندیشه تاسیس بانک ملی را از سوی تجار مطرح ساخت. یکی از مسایلی که تجار با پیروزی جنبش مشروطیت توقع حل آن را داشتند، رهایی از اعمال نظر و اجحاف‌هایی بود که توسط بانک‌های خارجی بر آنان تحمیل می‌شد. بانک شاهنشاهی خدمات پولی مورد نیاز تجار را تأمین می‌کرد و ضامن اعتباری خوبی برای آنان بود.^{۴۱} اما عملکرد بانک با منافع مالی صرافان و تجار در بسیاری از موارد همخوانی نداشت و آنان را به واکنش در مقابل آن بر می‌انگیخت. معین‌التجار با سخن‌رانی خود در مجلس به اصلاحات کشور و لزوم گرفتن پول اشاره کرد و برای حفظ استقلال، تاسیس بانک ملی را ضروری دانست.^{۴۲} به تجار توصیه شد، با اتحاد و در نظر گرفتن منافع عمومی، امتیاز بانک ملی را از دولت گرفته و با استخدام افراد ماهر و آگاه، خود امور پولی کشور را به دست گیرند.^{۴۳} به رغم تلاش‌های اولیه تجار و هیاهوی روزنامه‌ها و تمایل مجلس، طرح تأسیس بانک ملی تنها بر روی کاغذ باقی ماند و عملی نشد.^{۴۴} بانک نهادی مدرن بود که در جهت استقرار ضوابط منظم پولی می‌توانست در اختیار دولت و تجار قرار گیرد. یکی از عوامل شکست تاسیس بانک ملی عدم اطمینان تجار در آشکار کردن دارایی خود بود. آنها نگران بودند که مورد بازخواست قرار گیرند که «این اندوخته را از کجا آورده‌اند»^{۴۵} و در نهایت به شیوه‌های گوناگون اموالشان مصادره شود. این امر به خوبی ضرورت استقرار دولتی قانونمند که مالکیت تجار را ارج بگذارد، روشن می‌ساخت.

بیش از هر چیز دیگر مجلس به عنوان نماد اصلی دولت مدرن قادر بود خواست‌های تجار را برآورده سازد. تصویب قانون اساسی و متمم آن می‌توانست در استقرار نظم و حاکمیت قانون نقش اساسی داشته باشد. اصول ۲۲ تا ۲۶ قانون اساسی اعطای هر گونه امتیاز تجارتي، صنعتی و فلاحتی و نیز هر گونه استقراض و واگذاری امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسه را بدون تصویب مجلس امکان‌پذیر نمی‌کند. در واقع این اصول

می‌توانست نقش حمایتی دولت در قبال سرمایه‌های داخلی را افزایش دهد. اما آنچه در چارچوب دولت مدرن و نقش آن شکل می‌یافت بیشتر در اصول ۱۵، ۱۶ و ۱۷ متمم قانون اساسی تبلور می‌یافت:^{۴۶}

اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تادیه قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم: سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.

این اصول نه تنها بر احترام به حق مالکیت تأکید می‌کند، بلکه تصرف، مصادره و ضبط املاک و اموال افراد را مگر در شرایطی که قانون تعیین می‌نماید ممنوع می‌کند. این موارد در صورت اجرا می‌توانست امنیت و اطمینان لازمی را که دولت مدرن می‌توانست برای رشد سرمایه تأمین کند. به وجود آورد. در این موارد جای پای حضور تجار در تدوین و تنظیم قوانین مطابق خواسته‌های آنها دیده می‌شود. در قوانین مصوبه مجلس اول در طرح کلیات قانون بلدیة، اداره اموال منقول و غیر منقول و سرمایه‌های متعلق به شهروندان، همچنین مراقبت در امر آذوقه، مساعدت در ساختن بازارها و نمایشگاه‌های تجاری و به طور کل مراقبت در رواج حرفه و تجارت به عهده دولت و نمایندگان آن در شهرها قرار گرفته است.^{۴۷}

موضوع دیگری که در جهت استقرار ساختارهای دولت مدرن اساسی بود، طرح اصلاح محاکمات و وضعیت قضایی کشور بود که می‌توانست چارچوب‌های قانونی لازم برای استقرار قانونی فراگیر را فراهم کند تا ثبات و آرامش اجتماعی و اقتصادی را به همراه آورد. اصول هفتاد و یکم تا هشتاد و نهم متمم قانون اساسی به مسایل عدلیه و محاکمات پرداخته است. بر طبق این اصول، وضعیت، حوزه عمل قوانین و تعداد محاکم عدلیه مشخص می‌شد و محکمه‌ها با قوانین مشخص، یکسان و همگانی متمرکز می‌شدند. البته

در بیشتر اصول مذکور از محاکم عرف سخن گفته شده است و محاکم شرع تنها به قضاوت در امور شرعیه محدود می‌شدند و تحت پوشش قوه قضائیه قرار می‌گرفتند و استقلال و قدرت پیشین خود را عملاً از دست می‌دادند. حتی در گزارش‌های کنسولی اشاره شده که اصل هفتاد و یکم و اصول بعدی آن هر چند مبهم و غیر صریح هستند ولی قدرت محاکم شرع را بسیار کاهش داده‌اند.^{۴۸} در هر حال در صورت اجرای این اصول، به طور آشکار به هرج و مرج قضایی، عدم وجود قانون مشخص و رواج احکام ناسخ و منسوخ که از مشکلات اساسی تجار بود، پایان داده می‌شد. از سوی تجار طرح واگذاری محاکمات تجاری از وزارت تجارت به وزارت عدلیه پیگیری شد.^{۴۹}

چندین طرح و لایحه به منظور قانونمند شدن و تمرکز بیشتر امور تجاری در مجلس مطرح شد. معین‌التجار پیشنهاد کرد. «کمسیون تجارت» به دیگر کمسیون‌های مجلس افزوده شود^{۵۰} تا واردات و صادرات کشور تحت نظارت قرار گیرد و نظام تجارت آزاد به سود تجار ایرانی محدود گردد. اما این پیشنهاد پیگیری نشد و در عمل تحول محسوسی بوجود نیامد. مجلس در جلسه‌های پیاپی خود طرح «مجلس تجارت» یا «انجمن تجارت» را مورد شور و رسیدگی قرار داد.^{۵۱} نظام‌نامه انجمن‌های تجاری قرائت شد و در خصوص تدوین «قانون تجارت» مباحثی مطرح شد. وزیر تجارت پیشنهاد کرد کشور به تربیت جوانان برای یادگیری «علم تجارت» نیاز دارد و از این رو می‌بایست بودجه‌ای برای تاسیس «مدرسه تجارت» اختصاص یابد. وکیل‌التجار و معین‌التجار از این پیشنهاد استقبال کردند و مباحثی بر سر چگونگی تامین بودجه این مدرسه و ضرورت آن مطرح شد.^{۵۲} اما به رغم مشخص بودن ضرورت‌های اقتصادی، موانع اجرایی در کشور امکان تحقق راستین این قوانین را مهیا نساخت و برخی از آنها از جمله تشکیل «کمسیون تجارت» و تصویب «قانون تجارت» در مجلس تا سالهای بعد پیگیری نشد.

نمایندگان تجار در مجلس به دنبال پیگیری قوانینی بودند که از خواسته‌های اساسی آنها و فهم آنها از مشروطیت، استقرار نهادهای مدرن و دولت مدرن ناشی می‌شد. از جمله این خواست‌ها استقرار قانون، نظم، امنیت، احداث راه‌ها، تامین امنیت آنها، حمایت

دولت از تجار داخلی، کوتاه کردن دست خارجی‌ها در امور اقتصادی و سر و سامان دادن به امور قضایی و محاکمات تجاری بود. محمد اسماعیل مغازه از تجار صاحب فکر و مؤثر در مجلس اول بر این باور بود که مجلس باید به «فکر ملت» باشد و از پرداختن به جزئیات پرهیز کند.^{۵۳} وی مهمترین اقدام مجلس را وضع قوانین و برنامه‌ریزی می‌داند.^{۵۴} معین‌التجار نیز به نکته‌ای اشاره می‌کند که به درک عمیق او از مشروطیت گواهی می‌دهد. وی به حدود و حقوق و وظایف مجلس اشاره می‌کند.^{۵۵} که حاکی از آشنایی او با اصل تفکیک قوا و حدود وظایف قوه مقننه بود. وی استقرار نظم و قانون، آرامش و «رفع انقلابات» را ضروری می‌دانست.^{۵۶}

امین‌الضرب نیز که از تجار آگاه و پرنفوذ مجلس بود، نه تنها نیابت ریاست مجلس را به عهده داشت که از زمره کسانی بود که برای نوشتن متمم قانون اساسی انتخاب شد و در کمیسیون‌های گوناگون مجلس حضور داشت. وی در یکی از نطق‌های خود در مجلس به این نکته اشاره می‌کند که «مجلس باید فقط نظارت در اعمال وزراء داشته باشد نه خودش محاکمه کند.»^{۵۷} وی به درستی تفکیک وظایف قوه مجریه و مقننه را گوشزد کرد. نمایندگان تجار در مجلس به درک درستی از نظام قانونمدار مشروطه دست یافته بودند. وکیل‌التجار نیز که از نمایندگان فعال دوره اول مجلس بود، علت اغتشاش‌های کشور را نامشخص بودن وظایف و تکالیف افراد دانست و معتقد بود «قانون اساسی حدود سلطنت را معین می‌کند و از آن حدود وزراء و وکلا ملت معلوم می‌گردد.»^{۵۸} از این نمونه‌ها مشخص می‌شود که نمایندگان تجار به فهم مشترکی از نظم، قانون‌خواهی و لزوم تفکیک قوا برای سامان‌دهی امور و استقرار امنیت دست یافته بودند.

نتیجه:

شرایط بحرانی تجار، ناامنی، بی‌قانونی و عدم ضابطه‌مندی در امور اقتصادی که با هجوم سرمایه‌های بیگانه تشدید شد، آنان را به مشارکت فعال در جنبش مشروطیت کشاند. فعالیت آنان در استقرار نظام مشروطیت که نظامی قانونمند و مدرن بود، حضور فعال در

انتخابات و مجلس به عنوان لزوم مشارکت سیاسی در امور و حضور فعالانه تجار در مجلس اول حاکی از اهمیت این موضوع برای تجار بود.

مشارکت تجار در تنظیم قانون اساسی و متمم آن که بر احترام به حق مالکیت و تعیین ضوابطی قانونی برای مصادره املاک و اموال افراد تأکید داشت از موارد قابل توجه است. طرح اصلاح محاکمات و وضعیت قضائی کشور نیز از مواردی بود که در متمم قانون اساسی اشاره‌هایی به آن شده بود. نطق‌ها و مواردی که نمایندگان تجار در مجلس اول به آن اشاره دارند حاکی از آگاهی و حرکت هدفمند آنها در این مسیر است. اما شرایط نامساعد اجتماعی - سیاسی امکان تحقق کامل آن را تا سال‌های بعد به تعویق انداخت.

یادداشت‌ها:

- ۱- محمدتقی سپهر، (لسان الملک)، ناسخ التواریخ، تهران، اسلامیه، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۲۲.
- ۲- احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران، زمینه، ۱۳۵۹، ص ۴۱-۴۰.
- ۳- سنیک، مجدالملک، رساله مجدیه، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۲۱، ص ۲۵.
- ۴- همان‌جا، ص ۶۱.
- ۵- محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶، ص ۲۲۶.
- ۶- مهدی قلی هدایت، (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۲۹، ص ۸۱-۸۰.
- ۷- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، بخش اول، ص ۲۵۶.
- ۸- همان‌جا، بخش اول، ص ۲۵۵.

- ۹- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ملکم، جان، تاریخ ایران، به کوشش محمد اصفهانی، تهران، سعدی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۶؛ سیاح محلاتی، خاطرات، ص ۵۴۸.
- ۱۰- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴.
- ۱۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران، آگاه، ۱۳۵۶، ص ۳۰۰-۲۹۹؛ آدمیت، فریدون، شورش بر امتیاز نامه ژری، تهران، پیام، ۱۳۶۰، ص ۱۳-۱۲؛ آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۴۰۸.
- ۱۲- آدمیت، افکار اجتماعی، ص ۳۰۱.
- ۱۳- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان، برلین، کاوه، ۱۳۳۵، ص ۸۱-۷۷؛ آدمیت، افکار اجتماعی، ص ۲۶۱-۲۶۰؛ عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۴۱۳-۴۱۲.
- ۱۴- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سینکی، رساله مجدیه، ص ۶۱.
- ۱۵- کاشانی، وحید الملک، «امور تجارت»، جبل المتین (کلکته)، سال ۱۳، ۸ رمضان ۱۳۲۳/۶ نوامبر ۱۹۰۵، ش ۱۱، ص ۲۲-۲۱.
- ۱۶- برای آگاهی بیشتر از مشخصه‌های کامل دولت مدرن نگاه کنید به: پوچی، جانفرانکو، تکوین دولت مدرن در آمدی جامعه شناختی، ترجمه بهزاد باشی، تهران، آگه، ۱۳۷۷، ص ۱۸۳-۱۳۰.
- ۱۷- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، ص ۱۳۲-۱۳۱؛ مجید یکتایی، تاریخ دارایی، تهران، دهخدا، ۱۳۴۰، ص ۴۰۴-۳۹۸.
- ۱۸- نگاه کنید به: عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۱۱۱؛ تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸، ص ۳۹۲-۳۹۱؛ آنت دستره، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱-۱۳۰.

- ۱۹- نگاه کنید به: گیلبار، گاد، جی: «تجار ایران و انقلاب مشروطیت»، ترجمه جهانگیر پهلوان، زمینه ایران شناسی، تهران، زوار، ۱۳۶۴، ص ۲۳۵-۲۳۲؛ ناظم الال سلام، کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۶۱۸-۶۱۹؛ کرزن، جرج.ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۶۶.
- ۲۰- ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۲۹۴-۲۹۳.
- ۲۱- ادیب هروی خراسانی، محمدحسین، تاریخ انقلاب طوس یا پیدایش مشروطیت ایران، تهران، علمی، [بی تا]، چاپ دوم، ص ۱۸.
- ۲۲- براون، ادوارد، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران، معرفت، ۱۳۳۹، چاپ دوم، ص ۱۰۹.
- ۲۳- نگاه کنید به: مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸.
- ۲۴- هاشم محیط مافی، تاریخ انقلاب ایران یا مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا، تهران، فردوسی-علمی، ۱۳۶۳، ص ۸۶.
- ۲۵- ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۹۱؛ تفرشی حسینی، احمد، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۱، ص ۲۹.
- ۲۶- ابراهیم صفایی، اسناد مشروطه، تهران، [بی تا]، ۱۳۴۸، ص ۵۹.
- ۲۷- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۱۰.
- ۲۸- همانجا، ص ۱۱۰؛ در همین مورد نگاه کنید به: تفرشی حسینی، روزنامه اخبار، ص ۲۸.
- ۲۹- کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۱۳-۱۱۲.
- ۳۰- یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، عطار و فردوسی، ۱۳۷۱، ص ۷۶-۷۵.
- ۳۱- ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۶۲.
- ۳۲- همانجا.
- ۳۳- همانجا، ص ۵۹۷.
- ۳۴- همانجا، ص ۶۰۰.

- ۳۵- همانجا، ص ۶۰۲.
- ۳۶- زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، ص ۱۸۰.
- ۳۷- خاطرات وحید، ش ۳۱، ص ۱۱-۱۴.
- ۳۸- حبل‌المتین، سال ۱۵، ۲۵ شوال ۱۳۲۵/۲ دسامبر ۱۹۰۷، ش ۱۹، ص ۲۰.
- ۳۹- همانجا، سال ۱۷، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷/۵ ژوئیه ۱۹۰۹، ص ۱۳.
- ۴۰- مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه (۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶)، تهران، انتشارات مجلس، ۱۳۲۵، ص ۱۳-۱۰، ۶۲؛ همچنین نگاه کنید به: شوستر، مورگان، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، تصحیح فرامز برزگر و اسماعیل رائین، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱، ص ۲۷-۲۳؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۷۷.
- ۴۱- از ریاست وزرا به حاج امین‌الضرب، ۲۹ فروردین ۱۳۰۴، نمره ۴۴-۷۸۴، نخست وزیری، مرکز ستاد ریاست جمهوری؛ از بانک شاهنشاهی به حاج رحیم اتحادیه، ۱۳ ذی قعدة ۱۳۳۶، پرونده نامه‌های مربوط به سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۱ هجری قمری، (آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه).
- ۴۲- مذاکرات مجلس اول، ص ۱۵-۱۰.
- ۴۳- حبل‌المتین، سال ۱۳، ش ۳۳، ص ۲۰۱.
- ۴۴- وجوه سهامی که برای تاسیس بانک ملی فراهم شده بود بتدریج باز پس داده شد و گاه در دعاوی پولی افراد سرشناس موجب اختلاف حسابهایی شد. (نامه وزارت عدلیه به وزارت مالیه، در خصوص طلب فرما نفرما از امین‌الضرب بابت وجه بانک ملی، ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، [۱/۱۴۳/۵/۱]، ۲۴۰، وزارت مالیه، سازمان اسناد ملی ایران).
- ۴۵- حبل‌المتین، سال ۱۴، ۱۷ صفر ۱۳۲۵/۱ اول آوریل ۱۹۰۷، ش ۳۲، ص ۱۴-۱۳.
- ۴۶- مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، مجلس، تهران، [بی‌تا]، ص ۲۰ و ۹.
- ۴۷- همانجا، ص ۱۰۱.

۴۸- گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران (کتاب

آبی)، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۹۸.

۴۹- مذاکرات مجلس اول، ص ۲۲۵-۲۲۴.

۵۰- همانجا، ص ۳۸۲.

۵۱- همانجا، ص ۴۹۹، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۲.

۵۲- همانجا، ص ۵۱۷.

۵۳- همانجا، ص ۱۳۳.

۵۴- همانجا، ص ۳۵.

۵۵- همانجا، ص ۱۶.

۵۶- همانجا، ص ۴۶۴.

۵۷- همانجا، ص ۲۲۲.

۵۸- همانجا، ص ۲۴۱.

Archive of SID